



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۱/۲۷

م نعيم بارز.

## تا جامعه به آگاهی لازم نرسد از صلح و امنیت خبری نخواهد بود!

هر گاه فردی عادی در جنگ قدرت وارد می شود و با هیچ خصومت شخصی، انسانی را به قتل میرساند و یا خود کشته میشود بی تردید از دو عامل خارج بوده نمیتواند.

عامل نخست بیکاری و فقریست که آن شخص قبل از اینکه خود و یا یکی از اعضای فامیل اش در اثر گرسنگی بمیرد، حاضر میشود، در مقابل پول ناچیزی تحت اراده رهبران جنگ و جهاد به کشتن کسی و کشته شدن خود تن دهد.

عامل دوم داشتن انگیزه برای شرکت در جنگ میتواند دفاع از مسایل دینی اخلاقی و هستی سرزمین باشد که در هر کشوری از قبل تحت یک برنامه به نفع قدرتمندان زمینه سازی شده و از سال ها و قرن ها قبل جهت کنترل افکار مردم برای جنگ بوجود آورده شده که بیشتر بر مبنای روایات دینی و افکار و اراده مردم را در اختیار خود گرفته اند.

در این ارتباط از سه دین ابراهیمی یهودیت، عیسویت و اسلام باید نام برد که اولین اش همانا یهودیت و کتاب تورات است، حامیان هر سه دین در واقعیت امر همانا رندان زمان خود بوده اند و توانایی آن را داشته اند که چگونه با استفاده از ضعف های مردم به تبلیغ و مقدس سازی جهاد مردم را تحت تاثیر قرار داده تا در فرصت های لازم بمثابه وسیله و ابزار از آنها بهره برداری نمایند.

مثلاً برای اینکه انسان از رفتن به جنگ و از دست دادن جان و زندگی زیاد احساس ترس نکرده و از رفتن به جنگ خود داری نوزد، شیدان قرن ها قبل فکر دام و دانه را کرده اند، یعنی برای کم کردن ترس از دست دادن جان و زندگی گفته اند کسی که در جنگ و جهاد شرکت میکند و کشته میشود از وی بنام «شهید» یاد میشود و شهید کسی است که مستقیماً رهسپار بهشت می شود و در آنجا زندگی جاودانی را نصیب شده زنان زیبا روی و خوش قد و قامت بنام حوران بهشتی در انتظار آن هستند، همچنان به هر نوع نعمات خوراکی و میوه های لذیذ مفت و مجانی دسترسی می داشته باشد.

این نوع وعده ها و بسی مسایل دیگر از یهودیت و کتاب تورات به اسلام منتقل و چیز های دیگری هم از سوی پیشوایان اسلام تجویز شده که بوسیله ملا ها و آخوند ها نسل اندر نسل تبلیغ و ذهنیت سازی شده تا هر گاه اربابیان قدرت خواسته باشند با رام و راضی نگاه داشتن مردم چه در جنگ ها و یا در هر امر دیگری به سود خود اراده یا جلو مردم ساده انگار را در دست داشته باشند.

بلی جهادی های افغانستان که معمولاً در جنگ ها به سود و خواست خود، مردم را علیه خود مردم قرار داده اند، و همه شاهدیم بخصوص پس از کودتای 7 ثور 1357 و تجاوز نظامی دولت ضوروی سابق، رهبران و قوماندان ها زیر نام دین و مذهب و راه اندازی اختلافات قومی تا توانسته اند از مردم بحیث وسیله به نفع خود استفاده و بهره برداری نموده اند، رهبران و مبلغین بلند پایه دین با آنکه هر کدام در وصف شهید و مزیای رفتن به بهشت گلو پاره کرده اند، اما هیچ کدام خود و فرزندان و نزدیکان شان وارد میدان جنگ نشده اند.

باید از آنها پرسید چرا آنچه را که روزها و سال ها عوام فریبانه در گوش مردم در وصف بهشت و شهید رسانده و میرسانید اگر راست می گویند چرا خود در جنگ پیش قدم نشده شهادت و راه بهشت را در پیش نمی گیرید؟ معلوم است که آنها و هم رهبران مکتب کمونیسم زیرکانه و رندانه از وجود مردم علیه مردم سوء استفاده کرده با انبوختن میلیون ها دالر، اقدام به ساختن قصر ها، گرفتن زن های متعدد و اندخته های در بانک های خارج، زندگی بهشتی را بروی همین زمین برای خود فراهم کرده اند.

با اینحال جای تأسف در اینست که بر اساس انگیزه های دینی مذهبی یا راه اندازی اختلافات قومی و محلی حتی بعضی افغان های تحصیل کرده در داخل و خارج کشور به سطح انجنیر و دوکتور علوم حقوق و سیاست با استدلال های پوچ و مضحک در کنار همان رهبران و جنگ سالاران قرار گرفته و به حمایت از آنها علیه یک دیگر کار تبلیغی کرده، یعنی بیش از پیش به آتش جنگ دامن می زنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پزوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

تأثیر این نوع تبلیغات و یا بی تفاوتی همین به اصطلاح روشنفکران افغان را در امور کشور امروز 26/01/2023 از طریق رادیو تلویزیون افغانستان مقیم لندن دیدم که فقط بخاطر خبر سوزاندن برگه ای از قرآن از سوی یک فرد مسلمان عضو یک حزب کوچک اسلامی در سویدن چه تظاهراتی از سوی افغان های لوگر بر پا شده بود که راستی یک چنین همبستگی را در گذشته در هیچ جرم و جنایات روی داده در افغانستان از سوی مردم لوگر و یا شهر و دیار دیگر ندیده ام.

اینکه فردی در سویدن دست به سوزاندن قرآن زده، پیداست که شخص دیوانه ای نبوده اما شاید خواسته جامعه سویدن را به چالش کشیده و یا چه خواسته و نا خواسته با این کار خود جهان غرب را که از صلح و دفاع از حقوق بشر سخن می زنند متوجه عملکرد های تروریستی و جنایات گروه های اسلامی بخصوص طالبان در افغانستان نماید. بلی همچو حرکت های خشم آگین سر انجام شعله های خشم آن از برج های نیویارک نیز زبانه کشید، در برابر آن رویداد عجیب که نزدیک به سه هزار انسان جان شان را از دست دادند و صد ها میلیارد دالر خساره به آن کشور وارد نمود، دولت ایالات متحده امریکا و جامعه ملل چه تجویز و تصمیم گرفتند، تجویز این شد که با تمام قوت تروریزم را در منطقه سرکوب و نا بود کرده افغانستان را طوری باز سازی و آماده دفاع از خود می نمایند که دیگر از آنجا فعالیت های تروریستی و جنایات به عمل نیاید. با این هدف قوای بیش از چهل کشور تحت رهبری امریکا وارد افغانستان شده، مدت بیست سال با هر نوع سلاح تا توانستند بیهوده مردم افغانستان را کشتند در حالیکه برای همه جهانیان معلوم بود که مرکز تروریست پروری و صدور تروریسم به کشور افغانستان و جهان، پاکستان و رژیم آخوندی ایران بوده اند.

اما در نتیجه پس از نزدیک به دوسال مذاکره با رهبران طالبان و حامیان خارجی شان در دوحه کشور قطر دولت افغانستان را به سوی از هم پاشی برده و بجایش طالبان را در افغانستان به حاکمیت رساندند که در این مدت به غیر از کشتار مردم و بستن دروازه های تحصیل بروی دختران و مانع کار زنان در نهادهای دولتی و موسسات خصوصی هیچ کار مثبتی از آنها دیده نشده است.

دولت امریکا و دولت های دیگر با وجود ادعای دفاع از آزادی و دیموکراسی و حقوق بشر به بی تفاوتی نظاره گر جنایات طالبان، حکومت پاکستان و رژیم آخوندی ایران هستند و عملاً تا هنوز هیچ کاری مثبتی نتیجه بخش نکرده اند.

از نظر داخلی جای سوال است که چگونه پس از قرآن سوزی در سویدن با اشاره حکومت پاکستان و رهبران تروریست های طالبان، داعش و غیره هزاران زن و مرد برای اعتراض به شکل تظاهرات علیه قرآن سوزی به میدان می آیند ولی چرا یک چنین همبستگی و احساسات خشن مثل که در لوگر به راه افتاد، در مورد بیکاری، گرسنگی و بستن دروازه های علم و تحصیل بروی دختران و مانع شدن کار زنان صورت نگرفته است، اگر در همچو موارد در سر تا سر افغانستان اعتراضات بعمل آید بی تردید یک روز طالبان در قدرت نخواهد ماند و یا لا اقل یک هفته نخواهند توانست در تحصیل مکاتب دختران و کار را بروی زنان ببندند.

نا گفته پیداست است که تا چه اندازه حامیان جهل و خرافات طی قرن ها خواسته و باز هم می خواهند مردم را در فقر فرهنگی و جهل و نادانی نگاه دارند تا خود با تکیه به فرهنگ استعماری یک هزار و چهار صد ساله با تمام بی کفایتی ولی در زد و بند با دولت های حمایت از جهل و ترور مانع حرکت تاریخ و پیشرفت شده، آزادی مردم افغانستان و صلح و امنیت را در جهان تهدید نمایند، واقعیت امر اینست که دولت مردان جهان و بخصوص انهای که خود را مدعی دفاع از صلح و مسئول حفظ امنیت جهان می دانند اما به بی تفاوتی و بی عملی نظاره گر چنین اوضاعی هستند.

پایان